

دیپلماسی اقتصادی و نقش رایزنان اقتصادی ایران در دوران تحریم‌های هدفمند علیه صنعت نفت، گاز و اقتصاد کشور

سید رفیع کیانی
گروه حقوق، حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، ارس، ایران

چکیده

دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در دوران تحریم‌های هدفمند علیه صنعت نفت و گاز، نقش حیاتی در حفظ و ارتقاء منافع ملی ایفا می‌کند. رایزنان اقتصادی به‌عنوان نمایندگان تخصصی کشور در عرصه بین‌المللی، وظیفه دارند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی و دیپلماتیک، موانع ناشی از تحریم‌ها را کاهش دهند و فرصت‌های جدیدی برای تعامل اقتصادی فراهم آورند. تحلیل عملکرد رایزنان در این شرایط حساس، علاوه بر روشن کردن نقاط قوت و ضعف ساختاری و عملیاتی، به بهبود راهبردهای مقابله‌ای کمک می‌کند. با توجه به پیچیدگی و شدت تحریم‌ها، تقویت ساختار حقوقی و نهادی نهاد رایزنی اقتصادی و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط، از الزامات اساسی برای موفقیت دیپلماسی اقتصادی است. این مقاله ضمن بررسی مبانی نظری دیپلماسی اقتصادی، آثار حقوقی تحریم‌های هدفمند، و نقش رایزنان اقتصادی، به آسیب‌شناسی و ارائه چارچوب‌های تقویتی می‌پردازد تا ضمن حفظ منافع اقتصادی، در برابر فشارهای تحریمی مقاومت موثرتر و پایدارتر داشته باشد.

دیپلماسی اقتصادی، رایزن اقتصادی، تحریم هدفمند، صنعت نفت و گاز، حقوق بین‌الملل، اقتصاد

واژگان کلیدی: مقاومتی

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 23

Pages 1-14

Economic diplomacy and the role of Iran's economic advisors during the era of targeted sanctions against the country's oil, gas industry and economy

sid rafi kiani

Department of Law, Public International Law, Islamic Azad University, Aras, Iran

Abstract

Economic diplomacy, as one of the main axes of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, plays a vital role in preserving and promoting national interests during the period of targeted sanctions against the oil and gas industry. Economic advisors, as specialized representatives of the country in the international arena, have the duty to reduce the obstacles caused by sanctions and provide new opportunities for economic interaction by utilizing legal and diplomatic capacities. Analyzing the advisors' performance in these sensitive circumstances, in addition to clarifying the structural and operational strengths and weaknesses, helps to improve countermeasure strategies. Given the complexity and severity of sanctions, strengthening the legal and institutional structure of the economic advisory body and establishing coordination between related agencies are essential requirements for the success of economic diplomacy. This article, while examining the theoretical foundations of economic diplomacy, the legal effects of targeted sanctions, and the role of economic advisors, analyzes the pathology and presents strengthening frameworks so that, while preserving economic interests, it can have a more effective and sustainable resistance to sanctions pressures.

Keywords: Economic diplomacy, economic advisor, targeted sanctions, oil and gas industry, international law, resistance economy

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

در نهایت، این مقاله با تأکید بر اهمیت دیپلماسی اقتصادی در دوران تحریم‌های هدفمند، سعی دارد ضمن ارائه چارچوبی نظری و حقوقی، نقش رایزنان اقتصادی را در تقابل با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها ارزیابی کند و با آسیب‌شناسی نقاط قوت و ضعف، زمینه‌های بهبود عملکرد این نهاد حیاتی را بررسی نماید تا سیاستگذاران بتوانند راهکارهای بهینه‌تری برای مقابله با فشارهای اقتصادی طراحی کنند.

۱- مبانی نظری و چارچوب ساختاری

۱-۱- دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی مفهومی نسبتاً نو در عرصه روابط بین‌الملل است که به تدریج جایگاه برجسته‌ای در سیاست خارجی کشورها یافته است. در گذشته، مسائل اقتصادی بیشتر در قالب روابط تجاری صرف و مبادلات بازرگانی میان کشورها مورد توجه قرار می‌گرفت، اما با پیچیده‌تر شدن ساختارهای اقتصادی جهانی، مفاهیمی همچون «قدرت اقتصادی»، «تأمین منافع ملی» و «مقاومت در برابر فشارهای خارجی» به ارکان اصلی روابط دیپلماتیک تبدیل شده‌اند. در این میان، دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزاری هوشمندانه برای پیشبرد منافع ملی در بستر تعاملات بین‌المللی شناخته می‌شود؛ ابزاری که می‌تواند از یک سو موجب توسعه اقتصادی داخلی و از سوی دیگر عاملی برای تقویت جایگاه سیاسی کشور در نظام جهانی باشد (دامن پاک جامی، ۱۳۹۷: ص ۱۳۵).

در ایران، نیاز به تعریف و به‌کارگیری مؤثر دیپلماسی اقتصادی در شرایطی برجسته شد که تحریم‌های هدفمند، به‌ویژه در حوزه نفت و گاز، فشار مضاعفی بر اقتصاد کشور وارد

دیپلماسی اقتصادی در دنیای معاصر به عنوان یکی از ارکان اساسی سیاست خارجی کشورها مطرح است و توانسته جایگاه مهمی در تأمین منافع ملی و توسعه اقتصادی ایفا کند. برای جمهوری اسلامی ایران، که در شرایط تحریم‌های هدفمند و گسترده قرار دارد، این نوع دیپلماسی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. تحریم‌ها به ویژه در حوزه نفت و گاز، که منبع اصلی درآمدهای ارزی کشور محسوب می‌شوند، مشکلات فراوانی ایجاد کرده‌اند و به همین دلیل نیاز به دیپلماسی اقتصادی هدفمند و هوشمند برای کاهش اثرات منفی آن ضروری است. رایزنان اقتصادی به عنوان نمایندگان تخصصی کشور در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها، نقش کلیدی در پیشبرد اهداف دیپلماسی اقتصادی ایفا می‌کنند. وظیفه اصلی آنان تسهیل تعاملات اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری، و مدیریت موانع ناشی از تحریم‌ها است. با این وجود، ساختار حقوقی و نهادی این نهاد مهم، نیازمند تقویت و بازنگری است تا بتواند در شرایط پیچیده و پرفشار فعلی، کارآمدی لازم را داشته باشد و بتواند به عنوان بازوی موثر سیاست خارجی اقتصادی کشور عمل کند. بررسی دقیق عملکرد رایزنان اقتصادی و تحلیل چالش‌های پیش روی آنان، از جمله ضعف در اختیارها، ناهماهنگی میان دستگاه‌ها و کمبود آموزش‌های تخصصی، می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و زمینه‌سازی اصلاحات کمک کند. تقویت جایگاه حقوقی و نهادی رایزنان اقتصادی و ایجاد هماهنگی موثر میان وزارت امور خارجه، وزارت نفت، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی، از مهم‌ترین راهکارهایی است که می‌تواند به ارتقای دیپلماسی اقتصادی کشور بیانجامد.

ساختار مشخص و نهاد متولی واحد با اختیار لازم برای راهبری دیپلماسی اقتصادی تعریف نشود، نمی‌توان انتظار کارایی بالا در پیگیری منافع اقتصادی در سطح بین‌الملل داشت. وجود موازی‌کاری و ناهماهنگی میان نهادها، گاه به صدور پیام‌های متضاد به شرکای خارجی منجر می‌شود و در شرایطی که کشور تحت تحریم یا فشار اقتصادی است، این سردرگمی می‌تواند فرصت‌های حیاتی را از بین ببرد. از طرف دیگر، نبود بانک اطلاعاتی جامع از ظرفیت‌ها و نیازهای اقتصادی کشور، رایزنان اقتصادی را در سفارتخانه‌ها دچار نوعی بی‌اطلاعی ساختاری می‌کند. برای حل این معضل، باید میان دستگاه‌های اقتصادی داخلی، به‌ویژه وزارت صمت، بانک مرکزی و وزارت امور خارجه، یک مکانیسم همکاری مبتنی بر داده، تحلیل و تصمیم مشترک ایجاد شود (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۵: ص ۳۲۹).

از نگاه حقوقی، خلأ موجود در تعیین حدود و اختیارات دستگاه‌ها نیز یکی از موانع مهم است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌گذاری در حوزه سیاست خارجی را به دولت و وزارت امور خارجه سپرده، اما در عمل، نهادهای مختلف بدون چارچوب مشخص وارد عرصه تعاملات اقتصادی خارجی می‌شوند. از این‌رو، تدوین یک قانون جامع دیپلماسی اقتصادی یا اصلاح قوانین موجود می‌تواند به ساماندهی این تعاملات و تقویت جایگاه حقوقی رایزنان اقتصادی در ساختار دیپلماسی کشور کمک شایانی کند. بدون پشتوانه حقوقی مشخص، امکان پاسخ‌گویی، ارزیابی عملکرد و پیگیری مسئولیت نهادها در این حوزه ضعیف باقی می‌ماند. در نهایت، بهره‌مندی از سازوکارهای داخلی زمانی اثربخش خواهد بود که هماهنگی میان سیاست خارجی و سیاست اقتصادی در سطح عالی حاکمیتی اتفاق بیفتد. این هماهنگی باید نه فقط در سطح شعار و اسناد بالا دستی، بلکه در عمل و

کردند. در چنین شرایطی، رایزنان اقتصادی و دیپلمات‌های تجاری موظفاند نقش فراتر از مکاتبه‌گری ایفا کنند و با شناخت دقیق از ظرفیت‌های اقتصادی کشور میزبان، فرصت‌های تعامل سازنده را به نفع اقتصاد ایران شناسایی و پیگیری کنند. به عبارتی، دیپلماسی اقتصادی دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی برای تاب‌آوری اقتصادی کشور در شرایط رقابت و تهدیدهای خارجی است. با توجه به جایگاه راهبردی ایران در منطقه و منابع غنی انرژی، این کشور ظرفیت آن را دارد که از طریق دیپلماسی اقتصادی هوشمندانه، نه تنها بر محدودیت‌های بین‌المللی غلبه کند، بلکه پیوندهای اقتصادی مؤثری با کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایجاد نماید. البته این مهم نیازمند انسجام نهادی، توانمندسازی نیروی انسانی در دستگاه دیپلماسی و تعریف روشن از اهداف اقتصادی در سیاست خارجی است. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی نه صرفاً یک مفهوم تزئینی در بیانیه‌ها، بلکه ضرورتی بنیادین برای امنیت و توسعه ملی است که باید با نگاه بلندمدت و برنامه‌ریزی حقوقی و نهادی تقویت شود.

۱-۲- نقش سازوکارهای داخلی در هماهنگی دیپلماسی اقتصادی

هماهنگی نهادهای داخلی در اجرای مؤثر دیپلماسی اقتصادی، یکی از چالش‌های اساسی کشورهایی است که در پی استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی برای توسعه اقتصادی هستند. در ایران نیز، پراکندگی مسئولیت‌ها میان دستگاه‌های مختلف همچون وزارت امور خارجه، وزارت صمت، سازمان توسعه تجارت، اتاق‌های بازرگانی و نهادهای دولتی و شبه‌دولتی، همواره موجب شده دیپلماسی اقتصادی از انسجام و هدف‌گذاری واحد برخوردار نباشد. در واقع، تا زمانی که یک

تحریم‌های هدفمند که در ادبیات حقوق بین‌الملل به عنوان “تحریم‌های هوشمند” نیز شناخته می‌شوند، ابزارهایی هستند که به منظور اجبار دولت‌ها یا نهادهای خاص به تغییر رفتار خود، بدون آسیب مستقیم به مردم عادی اعمال می‌شوند. این نوع تحریم‌ها معمولاً متوجه نهادهای حکومتی، شرکت‌های نفتی، بانک‌ها، مقامات بلندپایه یا شبکه‌های مالی مرتبط با دولت هدف هستند. در مورد ایران، بخش قابل توجهی از تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه صنعت نفت و گاز کشور، دقیقاً با همین منطق حقوقی و سیاسی طراحی شده‌اند تا با تحت فشار قرار دادن منبع اصلی درآمد دولت، بر سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارند.

اما از منظر حقوق بین‌الملل، مشروعیت تحریم‌های هدفمند همواره محل مناقشه بوده است. در حالی که منشور سازمان ملل متحد تنها به شورای امنیت اختیار اعمال تحریم داده، برخی کشورها به‌ویژه ایالات متحده، با تصویب قوانین داخلی، تحریم‌هایی فرامرزی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در کشورهای دیگر اعمال کرده‌اند. این رویه که به “تحریم‌های ثانویه” نیز شناخته می‌شود، از منظر حقوقی با اصول حاکمیت ملی، عدم مداخله و اصل منع زور اقتصادی در تضاد قرار دارد. صنعت نفت و گاز ایران از سال ۲۰۱۲ تاکنون، بارها هدف چنین تحریم‌هایی قرار گرفته و عملاً امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی خود را به شدت از دست داده است. در سطح داخلی، این تحریم‌ها موجب بروز چالش‌های جدی در سیاست‌گذاری انرژی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری، و حتی فروش نفت شده است. شرکت ملی نفت ایران و دیگر نهادهای زیرمجموعه آن با محدودیت‌های پیچیده بانکی، بیمه‌ای و کشتیرانی مواجه شده‌اند که امکان انعقاد قراردادهای بین‌المللی را عملاً از بین برده یا به شدت کاهش

تصمیم‌سازی‌های روزمره نمود داشته باشد. تشکیل شورای عالی دیپلماسی اقتصادی با حضور نمایندگان نهادهای مؤثر، تصویب برنامه راهبردی پنج‌ساله، و طراحی سامانه‌های اطلاعاتی یکپارچه، می‌تواند به همگرایی در اهداف و اقدامات بینجامد. در غیر این صورت، دیپلماسی اقتصادی همچنان در حد یک مفهوم خوب باقی خواهد ماند، بی‌آنکه نتایج ملموسی در سطح اقتصاد ملی به بار آورد.

نتیجتاً اینکه، با وجود آنکه سازوکارهای داخلی در هماهنگی دیپلماسی اقتصادی نقشی کلیدی دارند، آنچه در عمل مشاهده می‌شود نوعی آشفتگی نهادی و فقدان انسجام حقوقی است که مانع تحقق کارآمد این هماهنگی می‌شود. در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران، هنوز تفکیک روشنی میان وظایف دستگاه‌های سیاست‌گذار و اجراکننده در حوزه روابط اقتصادی خارجی وجود ندارد و این مسئله به تداخل وظایف و در مواردی تعارض منافع می‌انجامد. در غیاب یک نهاد فرادست و متولی حقوقی مشخص که از پشتوانه قانونی لازم برخوردار باشد، اقدامات در حوزه دیپلماسی اقتصادی عمدتاً بر اساس ملاحظات مقطعی و بدون وحدت رویه انجام می‌شود. این ناهماهنگی نه تنها اثرگذاری رایزنان اقتصادی را تضعیف می‌کند، بلکه موجبات تزلزل در اعتماد شرکای خارجی و اتلاف منابع ملی را نیز فراهم می‌آورد. بنابراین، نقد اصلی به این تیتیر آن است که نقش این سازوکارها صرفاً در سطح تشریحی بیان شده، حال آنکه از منظر حقوق عمومی، بازنگری ساختاری و تعیین مرزهای دقیق مسئولیت‌ها برای ایجاد پاسخ‌گویی و کارآمدی ضروری است.

۲- حقوق تحریم هدفمند و چالش‌های صنعت نفت و گاز

مشروعیت، دامنه و پیامدهایشان هستند(شایان فر، ۱۴۰۲:ص ۱۴۹).

از منظر منشور ملل متحد، فقط شورای امنیت اختیار اعمال تحریم‌های بین‌المللی را دارد. با این حال، در دو دهه گذشته، بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده و اتحادیه اروپا، تحریم‌هایی یک‌جانبه و خارج از چارچوب شورای امنیت علیه کشورهایی چون ایران، کره شمالی، ونزوئلا و روسیه اعمال کرده‌اند. این تحریم‌ها به دلیل فقدان پشتوانه در حقوق بین‌الملل عام و عدم انطباق با بندهای ۳۹ تا ۴۱ منشور، اغلب به‌عنوان نقض اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، و حتی اعمال زور اقتصادی تلقی می‌شوند. از منظر حقوق بین‌الملل عمومی، تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که تأثیرات فزاینده‌ای بر حقوق اقتصادی، بهداشتی و توسعه‌ای مردم می‌گذارند، قابل دفاع نیستند(همان منبع، ص ۱۵۰).

در سال‌های اخیر، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و گزارش‌های گزارشگران ویژه حقوق بشر سازمان ملل نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که تحریم‌های اقتصادی، حتی اگر هدفمند باشند، باید با اصول حقوق بشر، به‌ویژه حق بر سلامت، غذا، آموزش و توسعه مطابقت داشته باشند. برای نمونه، در پرونده ایران علیه آمریکا (۲۰۱۸)، دیوان اعلام کرد که حتی اقدامات اقتصادی در چارچوب تحریم‌های یک‌جانبه، نمی‌تواند مانع ارسال اقلام انسان‌دوستانه شود. این موضع، نشان‌دهنده تلاش جامعه جهانی برای محدود کردن دامنه اقدامات قهری در پرتو قواعد بنیادین حقوق بشر است. به بیان دیگر، تحریم هدفمند نیز از منظر حقوقی، تنها زمانی مشروع است که متناسب، محدود، و دارای پشتوانه نهادی مشروع باشد.

داده است. در نبود یک راهبرد حقوقی منسجم برای مقابله با آثار این تحریم‌ها، بنگاه‌های اقتصادی ناچار به فعالیت در فضای غیرشفاف و پرریسک شده‌اند که خود منشأ فساد و اتلاف منابع می‌گردد(یزدانی و تقوی، ۱۴۰۳:صص ۲۱).

در چنین شرایطی، نقش نهادهای حقوقی و قضایی داخلی و بین‌المللی در کاهش آثار تحریم‌ها پررنگ‌تر می‌شود. بهره‌گیری از ظرفیت دادگاه‌های بین‌المللی، سازوکارهای حل اختلاف سرمایه‌گذاری و حتی کمیسیون‌های داوری تجاری می‌تواند یکی از راه‌های جبران خسارت و حفظ حقوق مشروع ایران باشد. در سطح داخلی نیز، تدوین قوانین حمایتی از شرکت‌های تحریمی، تسهیل در تجارت تهاتری، و گسترش روابط اقتصادی با شرکای غیردولتی می‌تواند راهی برای عبور از فشار تحریم‌ها باشد..

۱-۲- تحریم هدفمند در منشور حقوق بین‌الملل

تحریم‌های هدفمند، که از دهه ۱۹۹۰ به‌ویژه پس از انتقادات گسترده به تحریم‌های گسترده علیه عراق در سازمان ملل مطرح شدند، در قالب جدیدی از اقدامات قهری در حقوق بین‌الملل ظهور یافتند. بر خلاف تحریم‌های جامع که کل جمعیت یک کشور را متأثر می‌سازند، تحریم‌های هدفمند تنها متوجه افراد، نهادها یا بخش‌های خاصی از اقتصاد یک کشور هستند. این رویکرد جدید در چارچوب منشور ملل متحد، به‌ویژه ذیل فصل هفتم، مورد توجه قرار گرفت؛ جایی که شورای امنیت می‌تواند به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اقداماتی غیر از توسل به زور را اتخاذ کند. تحریم‌های هدفمند، از نظر شکلی، با اصول حقوق بشری هم‌سوترند، اما همچنان محل بحث‌های جدی در زمینه

حساب‌های شرکت‌های نفتی و گازی ایران بسیار محدود شود. این موضوع باعث ایجاد مشکلاتی در پرداخت هزینه‌ها، دریافت درآمدهای صادرات نفت و گاز، و تسویه حساب‌های قراردادی می‌شود. در نتیجه، انجام تعهدات مالی مطابق قراردادها با تأخیر یا به صورت ناقص انجام می‌پذیرد که زمینه‌ساز بروز اختلافات حقوقی و مالی خواهد بود (سادات حسینی، ۱۴۰۲: ص ۵۵).

از دیدگاه حقوقی، این محدودیت‌ها موجب بروز ریسک حقوقی در قراردادهای نفتی می‌شوند. طرفین قرارداد، به ویژه شرکت‌های خارجی، همواره نگران عدم تحقق تعهدات مالی و فنی به دلیل محدودیت‌های تحریمی هستند. در بسیاری از قراردادهای فورس ماژور یا عدم مسئولیت به دلیل شرایط تحریمی گنجانده شده است که موجب پیچیدگی در تفسیر و اجرای این مفاد شده است. این وضعیت همچنین چالش‌هایی را در نحوه حل اختلافات و اجرای احکام داوری بین‌المللی ایجاد می‌کند، چرا که اجرای قراردادها با قوانین تحریمی و مقررات داخلی کشورها تداخل دارد. بنابراین، تحریم‌ها نه تنها به لحاظ اقتصادی بر صنعت نفت و گاز ایران اثرگذار بوده‌اند، بلکه ساختار حقوقی و اجرایی قراردادها را نیز دستخوش تغییر و پیچیدگی کرده‌اند. برای مدیریت این مشکلات، ضرورت دارد که قراردادهای نفتی به گونه‌ای تنظیم شوند که با محدودیت‌های تحریمی سازگار باشند و همچنین راهکارهای جایگزین در زمینه بیمه و انتقال مالی، مانند استفاده از شرکت‌های بیمه داخلی یا روش‌های مالی جایگزین، مد نظر قرار گیرند. در این مسیر، همکاری مستمر میان دستگاه‌های حقوقی، اقتصادی و دیپلماتیک اهمیت فراوانی دارد تا بتوان از آسیب‌های ناشی از تحریم‌ها کاست (همان منبع، ص ۶۳).

در نهایت، هرچند تحریم هدفمند در نظریه، تلاشی برای انسانی‌تر کردن ابزارهای فشار سیاسی و اقتصادی است، اما در عمل نیز باید تابع اصول مسلم منشور باشد؛ از جمله اصل تناسب، مشروعیت نهادی، رعایت مصونیت‌های دیپلماتیک و نیز اصل عدم تجاوز به حاکمیت اقتصادی کشورها. اعمال چنین تحریم‌هایی در غیاب نظارت قضایی بین‌المللی یا بدون امکان اعتراض و جبران خسارت، می‌تواند منجر به سوءاستفاده، اعمال فشار فراتر از قواعد عرفی، و حتی ابزارسازی از تحریم‌ها برای اهداف سیاسی شود. بنابراین، چالش اصلی حقوق بین‌الملل معاصر، نه صرفاً پذیرش تحریم هدفمند، بلکه چارچوب‌بندی دقیق حقوقی آن در توازن با قواعد بنیادین حقوق بشر و حاکمیت کشورهاست.

۲-۲- تأثیر تحریم‌ها بر قراردادهای نفتی-گازی: بیمه و انتقال مالی

تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به‌ویژه در بخش نفت و گاز، تأثیرات عمیقی بر قراردادهای این حوزه گذاشته‌اند. یکی از مهم‌ترین موانع ناشی از تحریم، دشواری در تأمین بیمه برای پروژه‌های نفتی و گازی است. شرکت‌های بیمه بین‌المللی به دلیل خطر نقض تحریم‌ها و جریمه‌های سنگین، از ارائه خدمات بیمه‌ای به شرکت‌ها و تجهیزات مرتبط با صنعت نفت ایران خودداری می‌کنند. این مسأله باعث شده که پروژه‌ها با ریسک‌های فنی و مالی بسیار بالا مواجه شوند که در نهایت به کاهش جذابیت قراردادهای نفتی برای سرمایه‌گذاران خارجی و حتی داخلی منجر می‌شود. در کنار مشکل بیمه، انتقال مالی نیز به یک چالش جدی تبدیل شده است. تحریم‌های بانکی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های ثانویه موجب شده است که امکان انتقال وجوه بین‌المللی به

این چارچوب، دولت ایران تلاش می‌کند به صورت رسمی موضوع تحریم‌ها را در مجامع حقوقی بین‌المللی مطرح و پیگیری کند. بالازاده و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۱۱۱).

از منظر بین‌المللی، ایران چندین شکایت و درخواست‌های حقوقی علیه کشورهای تحریم‌کننده در سازمان ملل، دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر محاکم بین‌المللی مطرح کرده است. این دعاوی عمدتاً بر پایه نقض قوانین بین‌الملل، اصل عدم مداخله و پایبندی به منشور ملل متحد استوارند. شکایت‌ها همچنین بر آثار منفی تحریم‌ها بر حقوق اقتصادی، توسعه و سلامت مردم ایران تأکید دارد و از محاکم بین‌المللی خواسته شده است تا محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها را به عنوان موانع حقوقی در اجرای قراردادهای و تعهدات بین‌المللی ایران در نظر بگیرند.

با این حال، با وجود تلاش‌های حقوقی ایران، چالش‌هایی در پذیرش صلاحیت محاکم بین‌المللی و اجرای آراء صادره وجود دارد. بسیاری از تحریم‌ها بر اساس تصمیمات یک‌جانبه کشورها یا بلوک‌های اقتصادی اعمال شده که خارج از چارچوب‌های رسمی سازمان ملل قرار دارند، و همین امر امکان اجرای عدالت بین‌المللی را پیچیده می‌کند. از این رو، واکنش حقوقی ایران در این زمینه نه تنها شامل تدوین قوانین داخلی و طرح دعاوی بین‌المللی است، بلکه نیازمند دیپلماسی حقوقی و همکاری‌های چندجانبه برای تضمین اثربخشی حقوقی و سیاسی مقابله با تحریم‌هاست.

۳- رایزنان اقتصادی به عنوان عامل اجرایی دیپلماسی

رایزنان اقتصادی نقش حیاتی و استراتژیکی در اجرای دیپلماسی اقتصادی کشورها دارند و به ویژه در شرایط

تحریم‌های هدفمند علیه صنعت نفت و گاز ایران علاوه بر فشارهای اقتصادی، چالش‌های حقوقی قابل توجهی را نیز در اجرای قراردادهای ایجاد کرده‌اند؛ به‌ویژه در زمینه‌های بیمه و انتقال مالی که نقش کلیدی در تحقق تعهدات قراردادی دارند. محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها باعث شده بسیاری از شرکت‌های بیمه بین‌المللی پوشش خدمات را متوقف کنند و نقل و انتقال وجوه مالی با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود. این شرایط موجب افزایش ریسک نقض تعهدات و بروز اختلافات حقوقی می‌شود که در نبود شفافیت قانونی و مقررات هماهنگ، تفسیر بندهای فورس ماژور و محدودیت مسئولیت‌ها پیچیده و محل منازعه خواهد بود. بنابراین، تحریم‌ها نه تنها بار اقتصادی، بلکه بار حقوقی سنگینی بر دوش قراردادهای نفتی و گازی گذاشته و ضرورت اصلاح ساختارهای قراردادی و حقوقی را بیش از پیش آشکار ساخته‌اند.

۲-۳- واکنش حقوقی ایران؛ قانون مقابله با تحریم و شکایت در محاکم بین‌المللی

در مواجهه با تحریم‌های هدفمند و یک‌جانبه، ایران با رویکردی حقوقی تلاش کرده است تا چارچوب‌های داخلی و بین‌المللی مناسبی برای مقابله و پاسخگویی به این فشارها ایجاد کند. مهم‌ترین اقدام قانونی در این راستا، تصویب «قانون مقابله با اقدامات یک‌جانبه و تحریم‌های ظالمانه» است که هدف آن تأمین حمایت حقوقی از منافع ملی و شرکت‌های داخلی است. این قانون با تأکید بر تحریم‌های ناعادلانه، مجوزهایی برای مقابله قانونی، از جمله ممنوعیت همکاری با اشخاص و نهادهای تحریم‌کننده، و حمایت از کسب‌وکارهای داخلی در برابر آسیب‌های ناشی از تحریم‌ها فراهم می‌آورد. در

فرصت‌های جدید و تسهیل همکاری‌های چندجانبه ایفا کرده‌اند که در نهایت به تقویت اقتصاد ملی و حفظ منافع کشور در عرصه بین‌المللی منجر شده است.

در نهایت، رایزنان اقتصادی به‌عنوان بازوان اجرایی دیپلماسی اقتصادی ایران، نقش کلیدی در مقابله با تحریم‌های هدفمند دارند و از طریق اقدامات مستمر و برنامه‌ریزی شده، زمینه‌ساز استمرار فعالیت‌های اقتصادی کشور در شرایط دشوار تحریمی شده‌اند. اهمیت این نقش نه تنها در حفظ ثبات اقتصادی بلکه در تقویت جایگاه ایران در بازارهای جهانی و ارتقای توان رقابتی صنایع داخلی قابل مشاهده است.

۱-۳- رایزنان اقتصادی؛ بازوی سفارت در توسعه تعاملات تجاری

رایزنان اقتصادی به‌عنوان بازوان اجرایی سفارتخانه‌ها، نقش بسیار مهمی در توسعه تعاملات تجاری و اقتصادی میان ایران و دیگر کشورها ایفا می‌کنند. آنها با بهره‌گیری از دانش بازارهای بین‌المللی و آگاهی از مقررات تجاری، پل ارتباطی میان بخش‌های دولتی و خصوصی ایران و شرکای خارجی هستند. این افراد با شناسایی فرصت‌های تجاری و تسهیل مذاکرات، به گسترش صادرات و جذب سرمایه‌گذاری کمک می‌کنند و در واقع سفارت را به یک مرکز فعال اقتصادی تبدیل می‌کنند. یکی از وظایف اصلی رایزنان اقتصادی، ارائه گزارش‌های تحلیلی دقیق و به‌روز درباره وضعیت بازارها، قوانین و مقررات کشور مقصد است که این اطلاعات به تصمیم‌گیرندگان ایرانی امکان می‌دهد تا استراتژی‌های مناسبی برای ورود به بازارهای جدید یا حفظ جایگاه در بازارهای موجود تدوین کنند. همچنین، رایزنان اقتصادی با ایجاد شبکه‌های ارتباطی گسترده در کشورهای میزبان، مسیرهای جدیدی برای همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری

تحریم‌های هدفمند، اهمیت فعالیت‌های آنها دوچندان می‌شود. این افراد که معمولاً در سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های اقتصادی ایران مستقر هستند، به‌عنوان رابط میان دولت ایران و بازارهای بین‌المللی عمل می‌کنند. آنها وظیفه دارند اطلاعات دقیق و به‌روز درباره تحریم‌ها، قوانین بین‌المللی، فرصت‌ها و تهدیدهای بازارهای هدف را به فعالان اقتصادی و تصمیم‌گیرندگان داخلی منتقل کنند. این نقش اطلاعاتی به شرکت‌های ایرانی کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری درباره صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری‌های خارجی بگیرند و از ریسک‌های ناشی از تحریم‌ها بکاهند. از سوی دیگر، رایزنان اقتصادی به‌عنوان سفیران اقتصادی کشور، زمینه‌ساز ایجاد و گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای هدف هستند. آنها با برقراری ارتباط نزدیک با مقامات و فعالان اقتصادی خارجی، به تسهیل مذاکرات تجاری، قراردادهای سرمایه‌گذاری و همکاری‌های فناورانه کمک می‌کنند. در شرایط تحریم، این نقش به معنای یافتن راهکارهای جایگزین برای دور زدن محدودیت‌ها و حفظ کانال‌های تجاری ایران است. رایزنان با شناخت دقیق قوانین تحریمی و سازوکارهای مالی بین‌المللی، به شرکت‌های ایرانی کمک می‌کنند تا مسیرهای قانونی و مطمئن برای انتقال پول و بیمه پروژه‌ها را بیابند (چاترچی، ۱۴۰۰: ۹۷).

در عمل، نقش رایزنان اقتصادی ایرانی موجب شده است که علی‌رغم فشارهای تحریمی شدید، بخش‌هایی از صنعت نفت، گاز و سایر صنایع صادراتی ایران همچنان بتوانند به بازارهای جهانی دسترسی داشته باشند. این افراد با پیگیری فعال و دیپلماسی هدفمند، موانع حقوقی و مالی تحریم را کاهش داده و به حفظ و توسعه بازارهای صادراتی کمک کرده‌اند. همچنین رایزنان اقتصادی نقش مهمی در انتقال تجربیات، معرفی

تسهیل این فرآیند دارند. تهاتر نیز یکی دیگر از راه‌های مقابله با تحریم است که در آن کالا یا خدمات بدون انتقال پول نقد مبادله می‌شود. این روش برای ایران اهمیت زیادی دارد چرا که با استفاده از تهاتر، می‌تواند صادرات نفت و گاز را در مقابل دریافت کالاهای اساسی یا سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز انجام دهد. تهاتر علاوه بر کاهش وابستگی به سیستم‌های بانکی بین‌المللی، به حفظ تعادل تجاری و کاهش مشکلات مالی کمک می‌کند (الباجی و همکاران، ص ۱۴۰۲: ص ۲۲).

استفاده از ارز ملی در معاملات بین‌المللی، به ویژه در همکاری با کشورهایی که تحت تحریم‌های آمریکا نیستند، به ایران امکان می‌دهد تا بخشی از معاملات خود را بدون استفاده از دلار آمریکا انجام دهد. این اقدام باعث کاهش تأثیر تحریم‌های مالی بر اقتصاد کشور می‌شود و استقلال مالی ایران را در سطح بین‌المللی افزایش می‌دهد. به طور کلی، این راهکارهای جایگزین نه تنها برای مقابله با تحریم‌ها اهمیت دارند، بلکه می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای ایجاد ساختارهای مالی و تجاری مقاوم‌تر در آینده مورد استفاده قرار گیرند.

۳-۳- محدودیت‌ها؛ آموزش ناکافی، اختیارات محدود، نبود هماهنگی

محدودیت‌های رایزنان اقتصادی در اجرای وظایفشان یکی از چالش‌های جدی در دیپلماسی اقتصادی ایران به شمار می‌رود که تاثیر قابل توجهی بر کارآمدی آنها دارد. یکی از مهم‌ترین مشکلات، آموزش ناکافی این افراد است. رایزنان اقتصادی نیازمند دانش عمیق حقوقی، اقتصادی و بین‌المللی هستند تا بتوانند پیچیدگی‌های بازارهای خارجی و تحریم‌ها را به خوبی تحلیل کنند. فقدان آموزش‌های تخصصی و به‌روز، باعث می‌شود آنها نتوانند به طور کامل از ظرفیت‌های خود

فراهم می‌آورند که به بهبود وضعیت اقتصادی ایران کمک می‌کند (همان منبع، ص ۵۳).

در شرایط تحریم‌های اقتصادی، نقش رایزنان اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا آنها باید با هوشمندی و دقت، فرصت‌های محدود باقی‌مانده را شناسایی کرده و راهکارهایی برای مقابله با محدودیت‌ها و تحریم‌ها ارائه دهند. این فعالیت‌ها باعث می‌شود تا بخش‌هایی از اقتصاد ایران بتوانند همچنان به فعالیت خود ادامه دهند و از فشارهای تحریمی کاهیده شود. در نتیجه، رایزنان اقتصادی نه تنها نمایندگان اقتصادی کشور در خارج هستند، بلکه نقش کلیدی در حفظ و توسعه منافع اقتصادی ایران در عرصه جهانی دارند.

۲-۳- راه‌های جایگزین؛ سوآپ انرژی، تهاتر و ارز ملی

در شرایط تحریم‌های اقتصادی که انتقال پول و انجام معاملات نفتی با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شده است، راه‌های جایگزین مانند سوآپ انرژی، تهاتر و استفاده از ارز ملی به عنوان ابزارهای مهم در حفظ و توسعه روابط اقتصادی ایران مطرح شده‌اند. این روش‌ها به کشور اجازه می‌دهند بدون نیاز به سیستم‌های مالی بین‌المللی که تحت کنترل تحریم‌ها هستند، به تبادل کالا و خدمات بپردازند و فشارهای ناشی از تحریم را کاهش دهند. سوآپ انرژی یکی از این راهکارهاست که بر اساس آن، ایران می‌تواند نفت یا گاز خود را به کشوری تحویل دهد و در عوض معادل آن را در نقطه‌ای دیگر دریافت کند. این شیوه با کاهش نیاز به نقل و انتقالات مالی مستقیم، محدودیت‌های تحریمی را دور می‌زند و به حفظ جریان صادرات انرژی کمک می‌کند. اجرای موفق سوآپ انرژی نیازمند هماهنگی دقیق میان کشورها و زیرساخت‌های لجستیکی مناسب است که رایزنان اقتصادی نقش کلیدی در

نهاد رایزنی اقتصادی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی اقتصادی، در ایران با چالش‌های ساختاری و قانونی متعددی روبرو است که کارکرد موثر آن را محدود کرده‌اند. نخستین آسیب در این زمینه، نبود چارچوب قانونی مشخص و جامع برای تعریف وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های رایزنان اقتصادی است. این خلأ قانونی موجب شده که نقش و جایگاه رایزنان در ساختار دیپلماسی ایران به طور شفاف تعیین نشود و باعث سردرگمی در اجرای وظایف و تعاملات بین‌دستگاهی شود. از سوی دیگر، ضعف تقنینی در زمینه تأمین منابع مالی و امکانات اجرایی مورد نیاز رایزنان اقتصادی باعث محدودیت در عملکرد آنها شده است. نبود بودجه کافی و نبود حمایت‌های قانونی برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و حضور فعال در بازارهای هدف، یکی از مشکلات عمده این نهاد به شمار می‌رود. این مسئله موجب می‌شود که رایزنان نتوانند به طور کامل نقش خود را در تسهیل روابط اقتصادی ایفا کنند و با کمبود ابزارهای لازم مواجه باشند.

همچنین، ساختار تصمیم‌گیری و سلسله مراتب اداری موجود در نهاد رایزنی اقتصادی، مشکلاتی در سرعت و کارآمدی عمل ایجاد می‌کند. روندهای پیچیده اداری و محدودیت در اختیار داشتن اختیارات لازم برای اتخاذ تصمیمات سریع و مؤثر، باعث کاهش تأثیرگذاری رایزنان در مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصادی می‌شود. این موضوع در شرایطی که تحریم‌ها و تحولات بازار به سرعت تغییر می‌کنند، یک ضعف بزرگ محسوب می‌شود.

در نهایت، نبود هماهنگی کافی میان نهاد رایزنی اقتصادی با سایر ارکان دولت و بخش خصوصی، از جمله نهادهای بازرگانی، مالی و حقوقی، موجب شده تا ظرفیت‌های بالقوه

بهره‌برداری کنند و در نتیجه تاثیر کمتری در توسعه روابط اقتصادی کشور داشته باشند. از سوی دیگر، اختیارات محدود رایزنان اقتصادی، مانع اجرای موثر وظایفشان می‌شود. بسیاری از رایزنان با محدودیت در تصمیم‌گیری‌های کلان مواجه‌اند و نمی‌توانند به طور مستقل اقدام کنند یا راهکارهای خلاقانه‌ای برای حل مشکلات پیشنهاد دهند. این محدودیت‌ها باعث می‌شود که تلاش‌های آنها به صورت مقطعی و ناقص باقی بماند و نتواند پاسخگوی نیازهای واقعی اقتصاد ایران در شرایط تحریم باشد. همچنین نبود هماهنگی کافی میان رایزنان اقتصادی با دیگر نهادها و دستگاه‌های دولتی، باعث تضعیف اثرگذاری دیپلماسی اقتصادی می‌شود. عدم ارتباط موثر بین وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و بخش خصوصی باعث می‌شود اطلاعات به‌موقع و کامل به رایزنان نرسد و همچنین برنامه‌ها و سیاست‌ها به صورت هماهنگ اجرا نشوند. این ضعف هماهنگی موجب اتلاف منابع و فرصت‌ها شده و امکان رسیدن به اهداف کلان اقتصادی را کاهش می‌دهد (شاه حسینی و همکاران، ۱۴۰۳: ص ۱۹).

در نهایت، این محدودیت‌ها مانع از استفاده بهینه از ظرفیت رایزنان اقتصادی در شرایط تحریم می‌شود و موجب می‌گردد که ایران نتواند به خوبی از فرصت‌های بازارهای جهانی بهره‌برداری کند. برای رفع این مشکلات، ضروری است برنامه‌های آموزشی تخصصی و مستمر برای رایزنان تدوین شود، اختیارات لازم به آنها اعطا گردد و ساختارهای هماهنگی بین دستگاهی بهبود یابد تا نقش آنها در توسعه اقتصادی کشور به حداکثر برسد.

۴- آسیب‌شناسی ساختار حقوقی و تقنینی نهاد رایزنی اقتصادی

دیپلماسی حقوقی کشور هستند که از طریق روابط دیپلماتیک و مکاتبات رسمی، پیگیری حقوقی دعوی کشور را تسهیل می‌کنند (چاترچی، ۱۴۰۰: ص ۱۱۳).

همچنین، رایزنان اقتصادی می‌توانند زمینه‌ساز مذاکرات اقتصادی در بسترهای حقوقی شوند، مانند مذاکره برای انعقاد قراردادهای مشروط به رفع تحریم، یا پیش‌بینی مکانیسم‌های جبرانی در صورت وقوع تحریم. توانایی آنان در ترکیب دانش حقوق بین‌الملل اقتصادی با منافع تجاری کشور، ابزار مهمی برای ایجاد اعتماد طرف مقابل و تضمین حقوق قراردادی ایران محسوب می‌شود. این امر به‌ویژه در صنایع حساس مانند نفت و گاز اهمیت دوچندان دارد، جایی که هر توافقی باید با دقت حقوقی تنظیم شده و زمینه مقابله حقوقی در آینده را فراهم آورد.

در مجموع، رایزنان اقتصادی نه تنها بازوی فنی و اقتصادی دستگاه سیاست خارجی هستند، بلکه در موقعیت‌هایی خاص، نقش وکیل غیررسمی ایران در عرصه حقوق بین‌الملل اقتصادی را ایفا می‌کنند. قدرت تحلیل حقوقی، شناخت بسترهای حل اختلاف، و تعامل سازنده با نهادهای بین‌المللی، از جمله مهارت‌هایی است که باید در ساختار حقوقی و آموزشی این نهاد تقویت شود تا جایگاه آنان در پیشبرد مذاکرات و دعوی بین‌المللی به طور مؤثر محقق گردد.

نتیجه‌گیری

در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران طی دو دهه اخیر با موجی از تحریم‌های اقتصادی هدفمند و گسترده به‌ویژه در حوزه نفت، گاز و تبادلات مالی مواجه شده، اهمیت بهره‌گیری از ابزارهای نوین دیپلماسی اقتصادی بیش از پیش آشکار

این نهاد به صورت کامل به کار گرفته نشود. این عدم هماهنگی باعث ایجاد تداخل وظایف، دوباره‌کاری و عدم بهره‌وری مناسب در روندهای دیپلماسی اقتصادی می‌شود که در نهایت به تضعیف جایگاه ایران در عرصه اقتصادی بین‌المللی منجر خواهد شد.

۵- جایگاه رایزنان در پیشبرد دعوی و مذاکرات بین‌المللی

جایگاه رایزنان اقتصادی در پیشبرد دعوی و مذاکرات بین‌المللی، به‌ویژه در شرایط فشارهای خارجی و تحریم‌های هدفمند، جایگاهی کاملاً راهبردی و در عین حال حقوقی است. این مأموران اقتصادی که در چارچوب سفارتخانه‌ها فعالیت می‌کنند، پل ارتباطی میان نهادهای اقتصادی و بازرگانی داخلی با طرف‌های خارجی، سازمان‌های بین‌المللی و نیز نهادهای حقوقی برون‌مرزی هستند. آنها نقش فعالی در رصد وضعیت حقوقی قراردادهای، شناسایی ظرفیت‌های تعامل حقوقی با دیگر کشورها و حمایت از منافع تجاری ایران در بستر نظام بین‌الملل دارند. به بیان دیگر، رایزنان نه صرفاً کارگزار اقتصادی، بلکه نماینده منافع ملی در میدان حقوقی-اقتصادی بین‌المللی هستند. از منظر حقوق بین‌الملل، یکی از وظایف رایزنان، ارائه مشورت‌های حقوقی برای تنظیم اسناد اقتصادی و قراردادی با رعایت اصول شناخته‌شده همچون اصل حسن نیت، اصل مقابله‌به‌مثل، شرط ثبات قرارداد و رعایت فورس مازور در زمان تحریم‌ها است. در مواردی که اختلافات بین‌المللی ناشی از نقض قرارداد یا اعمال تحریم‌ها به داوری یا مراجع بین‌المللی ارجاع داده می‌شود، رایزنان اقتصادی وظیفه جمع‌آوری اطلاعات حقوقی، تنظیم اسناد پشتیبان، و هماهنگی با تیم‌های حقوقی داخلی و خارجی را بر عهده دارند. در واقع، آنان بازیگران عملیاتی در دستگاه

بخشی از خلأهای ناشی از تحریم شود. چنین راهکارهایی، در صورت بهره‌گیری از رویکرد حقوقی دقیق در تنظیم قراردادها و ایجاد مکانیزم‌های جبران ریسک، قابلیت اجرا و دوام بیشتری خواهند داشت. این نقش رایزنان را در حوزه فنی و حقوقی، به یک کنش‌گر چندبعدی تبدیل می‌کند.

در نهایت، برای اثربخشی دیپلماسی اقتصادی در شرایط تحریم، نیاز به تعریف دقیق‌تر نقش رایزنان اقتصادی، آموزش‌های هدفمند در حوزه حقوق بین‌الملل اقتصادی، و نیز اصلاح ساختار حقوقی-اداری این نهاد وجود دارد. تعامل بین دستگاه‌های دیپلماتیک، حقوقی و اقتصادی باید تقویت شده و رایزنان به‌عنوان نمایندگان حقوقی-اقتصادی ایران در میدان بین‌الملل، از پشتوانه حقوقی و قانونی لازم برخوردار باشند. چنین تحولی نه تنها به خنثی‌سازی آثار تحریم کمک می‌کند، بلکه موجب ارتقاء جایگاه ایران در نظام اقتصادی و حقوقی بین‌المللی خواهد شد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

گردیده است. رایزنان اقتصادی، به عنوان بازوان اجرایی دستگاه سیاست خارجی در حوزه اقتصاد، می‌توانند نقش کلیدی در کاهش آثار تحریم و احیای ظرفیت‌های تعامل اقتصادی کشور ایفا کنند. تجربه جهانی نیز نشان داده است که کشورهایی که ساختار منسجم رایزنی اقتصادی و تعامل فعال در بازارهای هدف دارند، در مواجهه با محدودیت‌های بین‌المللی، از ظرفیت انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی بیشتری برخوردارند. نقش رایزنان اقتصادی ایران، در این میان، صرفاً به پیگیری امور تجاری ختم نمی‌شود، بلکه آنان در خط مقدم مواجهه با پیامدهای حقوقی تحریم‌ها، بویژه در قالب دعاوی بین‌المللی، مذاکرات اقتصادی حساس، و دفاع از منافع شرکت‌های ایرانی در قراردادهای متأثر از تحریم، جایگاهی راهبردی دارند. رایزنان می‌توانند با رصد دقیق سازوکارهای تحریم، تحلیل حقوقی اسناد اقتصادی، و همکاری با نهادهای تخصصی حقوقی، راهکارهایی برای تداوم یا بازسازی روابط اقتصادی کشور طراحی کنند.

با این حال، عملکرد رایزنان اقتصادی در ایران، همچنان با چالش‌های متعددی همراه است؛ از جمله ضعف در آموزش حقوق بین‌الملل اقتصادی، نبود اختیارات کافی، ساختارهای موازی در تصمیم‌گیری، و عدم هماهنگی میان نهادهای داخلی. این کاستی‌ها منجر شده تا توان واقعی رایزنان در حوزه تعاملات بین‌المللی و پیگیری دعاوی حقوقی، به‌درستی به فعلیت نرسد. بررسی ساختار تقنینی و آیین‌نامه‌های مربوط به این نهاد نشان می‌دهد که جای بازنگری جدی در سطح قانون‌گذاری و اجرایی وجود دارد. از سوی دیگر، فرصت‌هایی مانند بهره‌گیری از ظرفیت تهاتر، سوآپ انرژی، استفاده از ارزهای ملی و توسعه روابط با کشورهای هم‌سو، می‌تواند با پشتیبانی فعال و کارشناسانه رایزنان اقتصادی، جایگزین

منابع

کتاب

- ۱- چاترجی، چارلز (۱۴۰۰)، دیپلماسی اقتصادی و سیاست گذاری‌های خارجی، ترجمه: پرهام پور رمضان و پرستش پور رمضان، انتشارات اندیشکده روابط بین‌الملل
- ۲- سادات حسینی، سپیده (۱۴۰۲)، تاثیر تحریم بر بیمه حمل و نقل دریایی نفت و گاز ایران از منظر حقوق بین‌الملل، انتشارات آسنا

مقالات

- ۱- الباجی، یوسف؛ آذربایجانی، کریم؛ دائی کریم زاده، سعید (۱۴۰۲)، واکنش اقتصاد ایران نسبت به سیاست‌های پولی و ارزی با تکیه بر بخش خارجی و رویکرد تحلیل تعادل عمومی پویای تصادفی، مجله علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، دوره بیستم، شماره ۴، صص ۳۷-۱
- ۲- بالازاده، زهره؛ اشرفی، امراله؛ بارانی، فرهاد (۱۳۹۴)، بررسی واکنش ایران به چالش‌ها و تحریم‌های بین‌المللی از منظر سازه انگارانه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۱۱۴-۶۷
- ۳- دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷)، تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش‌های پیش رو، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۲، شماره ۴، صص ۱۵۸-۹۱
- ۴- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۵)، چالش‌ها و ضرورت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و الزامات آن در حوزه سیاست خارجی، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۸، صص ۳۵۸-۳۲۵
- ۵- شاه حسینی، محمدعلی؛ نظری، محسن؛ خروطنی، محمدحسین (۱۴۰۳)، ارائه چارچوب قابلیت‌های رایزنی بازرگانی خارجی، تحقیقات بازاریابی نوین، سال چهاردهم، شماره دوم، صص ۲۶-۱
- ۶- شایان فر، سلمان (۱۴۰۲)، تحریم و نقض حقوق بشر از منظر حقوق بین‌الملل با تاکید بر تحریم‌های یکجانبه علیه ایران، مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۳۱، صص ۱۶۰-۱۳۹
- ۷- یزدانی، مهدی؛ تقوی، علی (۱۴۰۳)، مبانی نظری تحریم‌های اقتصادی علیه ایران: بانگاهی به صنعت نفت و گاز، بیست و دومین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و حسابداری، صص ۲۵-۱